تورش‌های رفتاری در مسائل اقتصادی از منظر قرآن کریم

محمد سجاد سیاهکار زاده[1]
امیر خادم علی زاده[2]

چکیده

از نیمهٔ قرن ۲۰ میلادی اندیشمندان اقتصاد به دستاوردهای علم روانشناسی توجه و نقد فرض اساسی انسان عقلایی در مکتب نئوکلاسیک و نیوکینزی به عنوان بدیل‌های جدید برای توضیح پدیده‌های اقتصادی در آستانهٔ هزارهٔ سوم تبیین کرده‌اند. اقتصاد رفتاری ترکیب دو علم اقتصادی و روانشناسی است و موضوع آن عبارتست از بیان علت محدودیت‌ها و پیچیدگی‌ها در عوامل اقتصادی. در اقتصادی رفتاری مفروضات اقتصاد کاملاً عقلایی کنار گذاشته شده و به محدودیت‌های انسان و انحراف از تصمیمات عقلایی پرداخته می‌شود. یکی از مباحثی که در اقتصاد رفتاری به آن پرداخته می‌شود تورش‌ها و انحرافات رفتاری است. این تحقیق بر آن است با روشی تحلیلی- استنباطی و با مراجعه به آیات قرآن کریم، بحث تورش‌های رفتاری را با نگاهی اقتصادی بررسی نماید. این تحقیق ضمن یادآور شدن تفاوت ماهوی خاستگاه طرح تورش‌های رفتاری در اقتصاد متعارف و قرآن کریم، برخی دلالت‌های اقتصادی را در خصوص تورش‌های رفتاری و شناختی در قرآن کریم اشاره می‌نماید.

کلید واژه ها: تورش‌های رفتاری، اقتصاد و مالی رفتاری، گزاره‌های رفتاری قرآن کریم
طبقه‌بندی *JEL*: *G*.۲ و *D*.۳

۱- دانشجوی دکتری مدیریت امام صادق(ع) (نویسنده مسئول)؛ Siahkarzadeh@gmail.com
۲- استادیار دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی؛ Khademalizadeh@gmail.com

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۵/۸/۸ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۵/۱۱/۲۹

۱- مقدمه

مطالعات مرتبط با قضاوت و تصمیم گیری به این امر دلالت دارد که افراد همیشه مطابق مدل منطقی و کلاسیک تصمیم‌گیری اقتصادی عمل نمی‌کنند. تحلیل کلاسیک فرض می‌کند که انسان‌ها کاملاً سازگار و حایز شرایط منطقی و دارای قدرت محاسباتی نامحدود هستند. اما شواهد نشان می دهد که منطق انسانی با عوامل احساسی و شناختی محدود می‌شود. (Tverski, 1995)

بیش از نیم قرن، نظریه نوین مالی که بر دو پارادایم اصلی رفتار عقلایی عاملهای اقتصادی و فرضیه بازارهای کارا تکیه داشت، بر بازارهاي مالي حاكم بود. اما وجود برخي شواهد تجربي مانند استثناهاي بازار كه توسط مدلهاي رايج فرضيه بازار كارا قابل تبيين نبودند، زمينه‌ساز پيدايش نظريه‌اي به نام مالي رفتاري گرديد.

ایده رفتار کاملاً عقلایي سرمایه‌گذاران جهت توجیه رفتارشان در بازار سهام كافي نيست. وجود عوامل رواني بسياري موجب مي‌شود كه افراد در تصميم‌گيري‌هاي سرمايه‌گذاري خود به صورت كاملاً عقلايي عمل نكنند. (لشکری، مرتاضی، ۱۳۹۰)

در یک جمع‌بندی می‌توان چنین اذعان داشت که در بحث‌های مالی رفتاری، ویژگی‌های رفتاری که بر تصمیم‌گیری‌های افراد مؤثرند، مورد بررسی قرار می‌گیرند.

بسیاری از صاحب‌نظران جدید مالی رفتاری معتقدند که ریشه‌های اصلی این رشته را باید در روانشناسی شناختی جستجو کرد. (رهنما، ۱۶)

روانشناسی شناختی گرایشی از علم روانشناسی است که با نحوهٔ کسب اطلاعات از دنیای پیرامون، بازنمایی این اطلاعات و تبدیل آن به دانش و تجربه، روش انباشت آن و شیوهٔ بکارگیری آن به منظور جهت‌دهی به توجه و رفتار انسان سروکار دارد. روانشناسی شناختی مدخل استفاده علوم اقتصادی از علوم روانشناسی است. بنابراین در صورتی که شناخت به شکل ناقص رخ دهد، منجر به تصمیم‌گیری اقتصادی یا سرمایه‌گذاری ناصحیح می‌شود. (سعیدی، ۷۴- ۷۵)

گرایش (میل) افراد به خطا در قضاوت بر پایهٔ عوامل شناختی را تورش شناخت می‌نامند. انواع تورش‌های شناخت به خطای رفتاری در سطح فردی یا اجتماعی می‌انجامد. برخی از این

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-29]
[DOR: 20.1001.1.17352770.1395.16.33.5.2]

تورش‌های شناختی عبارتند از خودفریبی و بیش‌اطمینانی[1]، تورش تداوم وضعیت کنونی[2]، تورش توهم کنترل[3]، تورش خودخدمتی[4] و تورش خوش‌خیالی[5]. (سعیدی، ۹۴)

این تحقیق در نظر دارد تا بر اساس روشی تحلیلی - استنباطی و با تحلیل محتوای آیات قرآن کریم، گزاره‌هایی را مطرح نماید که این گزاره‌ها دلالت بر تورش‌های رفتاری انسان در عرصهٔ اقتصادی و در معنایی وسیع‌تر اجتماعی دارد. به واقع سؤال اصلی این تحقیق این است که آیا قرآن کریم در خصوص تورش‌ها و انحرافات رفتاری که می‌تواند ناشی از مسائل شناختی باشد، گزاره‌ای بیان می‌کند؟ اگر آری، چه گزاره‌های رفتاری مطرح می‌شود و تناسب این گزاره‌ها با فعالیت‌های اقتصادی انسان کدام است؟

در این تحقیق ابتدا جایگاه مالی و اقتصاد رفتاری از نظر ماهیت و هدف و نیز علت توجه به تورش‌های شناختی و رفتاری در اقتصاد متعارف مورد بررسی قرار می‌گیرد. سپس علت بیان انحرافات و تورش‌های رفتاری از سوی قرآن مورد بررسی قرار می‌گیرد و پس از بررسی این مبانی، گزاره‌هایی از قرآن بر اساس تفاسیر مطرح می‌گردد و تلاش می‌شود تا دلالت‌های اقتصادی و مالی این آیات بیان شود.

۲- ادبیات تحقیق

در سال‌های اخیر در رابطه با موضوع اقتصاد و مالی رفتاری و به ویژه در رابطه با بازار سرمایه و بر اساس اطلاعات بورسی تحقیقات قابل قبولی در کشور انجام شده است، بر همین اساس در دنیا نیز ابعاد و حجم مطالعات در این حوزه وسعت بسیار بیشتری دارد. اما در رابطه با بررسی نسبت مالی رفتاری با سایر بنیان‌های نظری و از جمله مبانی دینی تحقیقات چندانی در دست نیست. در ادامه به برخی تحقیقات انجام شده در حوزه مالی رفتاری در کشور و همچنین مطالعات اندک صورت گرفته در خصوص مباحث مالی رفتاری و اسلام در دنیا مختصراً اشاره می‌شود.

تلنگی (۱۳۸۳) در مقاله‌ای با عنوان «تقابل نظریه نوین مالی و مالی رفتاری» بیان می‌دارد، بیش از نیم قرن صلابت نظریه نوین مالی با تکیه بر دو پارادایم اصلی رفتار عقلایی عامل‌های اقتصادی و فرضیه بازارهای کارا با وجود برخی شواهد تجربی غیرقابل تبیین توسط مدل‌های رایج

1 . Overconfidence
2 . Status Que bias
3 . Illution of control
4 . Self-serving bias
5 . Excessive optimism

این نظریه و تحت عنوان استثناها بازار در مقابل نظریه دیگری با نام مالی رفتاری با هدف ادغام روانشناسی با اقتصاد به چالش کشیده شده است. او در این مقاله ضمن مرور مفاهیم و مطالعات انجام شده در هر دو حوزه، از تاریخ شکل‌گیری آن‌ها و بررسی نقاط ضعف و قوت هر دو نظریه و چالش‌های پیش‌روی آن‌ها بحث می‌کند. نتیجه‌گیری نهایی از مطالعات و شواهد موجود حاکی از این واقعیت است که نقش مالی رفتاری در تبیین رفتار بازار و عامل‌های اقتصادی غیرقابل انکار است.

خواجوی و قاسمی (۱۳۸٤) در مقاله‌ای با عنوان «فرضیه بازار کارا و مالی رفتاری» اشاره می‌کنند، حجم گسترده‌ای از تحقیقات بازار سرمایه به فرضیه بازار کارا جهت تبیین رفتار قیمت‌ها پرداخته است. مالی رفتاری شامل بخش گسترده‌ای از جنبه‌های روانشناسی و علوم اجتماعی است که تناقض زیادی با فرضیه‌ی بازار کارا دارد. این مقاله به بررسی استثناهای بازار کارا و شواهد تجربی آن و نقش مالی رفتاری در تبیین آن می‌پردازد.

اسلامی بیدگلی و کردلوئی (۱۳۸۹) در مقاله‌ای با عنوان «مالی رفتاری، مرحله ی گذر از مالی استاندارد تا نوروفایناس» به بررسي آنچه در بازار های مالي و اقتصادی تا به حال به عنوان پایه و اساس تحقیقات وجود داشته و به عنوان مالي استاندارد نام برده مي شده می‌پردازند، سپس مشکلات آن و عدم انطباق یافته های آن با واقعیت ذکر می‌نمایند. آنچه واقعیت را از خود متاثر مي سازد و بر تصمیمات مالي اثر مي گذارد مکتب جدید تری از مالي است که تحت عنوان مالي رفتاری شناخته شده است. وجود تورش هايي باعث گرديده است که به وجود مالي رفتاری پي برده شود. اما از آنجا که این مکتب نیز فقط آثار و علائم را نشان داده و از ذکر علت ها عاجز مانده است، محققان مکتب دیگری را یافته اند که علت تورشهای رفتاری از آنجا نشات گرفته است. این مکتب جدید که برگرفته از سیستم عصبي انسانها و اثر آن بر تصمیمات به خصوص تصمیمات مالي و اقتصادی است به مکتب نوروفاینانس معروف شده است.

بدری و گودرزی (۱۳۹۳) در تحقیقی با عنوان «مالی رفتاری، سوگیری نماگری و متغیرهای بنیادی حسابداری: شواهدی از بورس اوراق بهادار تهران» بیان می‌دارد، مطابق یکی از سوگیری های رفتاری، سرمایه گذاران بر مبنای عملکرد گذشته شرکت ها، طبقه بندی های ذهنی خاصی را در ذهن خود برای پیش بینی رخدادهای آتی انجام داده و در پی یافتن شباهت هایی در عملکرد شرکت ها هستند. به این دسته از تورش های رفتاری، سوگیری «نماگری» اطلاق می گردد. این سوگیری موجب می شود، تا سرمایه گذاران روندها را به صورت نادرست تفسیر نمایند. تحقیق

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-29]
[DOR: 20.1001.1.17352770.1395.16.33.5.2]

حاضر قابلیت پیش بینی بازده سهام در کوتاه مدت و بلندمدت را با طبقه بندی عملکرد تاریخی حسابداری شرکت ها بر مبنای نرخ رشد فروش، نرخ رشد سود حسابداری، نرخ رشد سود خالص و با استفاده از روش مطالعه پرتفوی مورد بررسی قرار داده است. همچنین تاثیر «ثبات» عملکرد گذشته شرکت ها در عکس العمل سرمایه گذاران و رفتار قیمتی سهام و نیز اطلاعات آتی تائید کننده یا مخالف روند گذشته مورد آزمون قرارگرفته است. نتایج آزمون های انجام شده نشان می دهد که در افق میان مدت، پرتفوی مومنتوم مبتنی بر متغیرهای بنیادی حسابداری، بازده غیرعادی مثبت و معنی دار ایجاد می کند، اما در افق بلندمدت منجر به بازده غیرعادی نمی گردد.

Tahir و Brimble (۲۰۱۱) در مقاله‌ای با عنوان «رفتار سرمایه‌گذاری اسلامی» ضمن اشاره به رشد قابل توجه مالی و بانکداری اسلامی در دهه‌های گذشته در سطح جهانی بیان می‌دارند که مطالعات تجربی اندکی در خصوص تأثیر دین و مذهب بر تصمیمات مالی وجود دارد. در واقع تحقیق اخیر به دنبال این موضوع است. طبق نتایج این تحقیق، اسلام بر رفتار سرمایه‌گذاری تأثیر می‌گذارد، اما درجة این تأثیر متناسب است با درجة مذهبی بود افراد. علاوه بر این، شواهد حاکی از آن است که شکل غربی حداکثرسازی ثروت در میان مسلمان نیز وجود دارد و مسلمانان نیز علاقه‌مند به در نظر گرفتن اصول سرمایه‌گذاری پایدار در تخصیص دارایی‌ها هستند.

Pitluck (2008) در تحقیقی با عنوان «رفتار اخلاقی در بازار سرمایه: مالی اسلامی و سرمایه‌گذاری مبتنی بر مسئولیت اجتماعی» خواستگاه بحث خود را پاسخ به علت فراگیر بودن عدالت اجتماعی یا شرایط مذهبی در میان مدیران حرفه‌ای صندوق در مالزی و اینکه چرا این مباحث هنوز در بازار سهام ایالات متحده تأثیر نسبتاً اندکی دارد، بیان می‌کند. بر اساس بیش از ۱۲۵ مصاحبه با فعالان مالی در مالزی، این مقاله بیان می‌دارد که رفتار سرمایه‌گذاری اخلاقی در بازار سهام اساساً از طریق ساختار بازار شکل می‌یابد تا توسط مقررات اجباری و دستوری. در هر دو کشور مقررات دستوری شکل ضعیفی از کنترل اجتماعی رفتار مدیر صندوق به حساب می‌آید. سرمایه‌گذاری اجتماعی در ایالات متحده ضعیف است، زیرا تنها مبتنی بر مقررات دستوری علایق اخلاقی مشتریان را به مدیران صندوقشان مرتبط می‌سازد. در همین حال مالی اسلامی و اخلاقی در مالزی قوی است، زیرا انگیزه‌های اجتماعی و اسلامی ساختار بازار سهام مالزی اصلاح نموده است.

۳- مبانی تورش‌های رفتاری در اقتصاد متعارف

مدلهای مالی سنتی مبنایی در علم اقتصاد دارند و در واقع اقتصاد نئوکلاسیک همان پارادایم غالب و مبنا است. اقتصاد نئوکلاسیک فرضیات بنیادینی درباره افراد به شرح ذیل دارد:

- افراد دارای ترجیحات منطقی در خصوص عایدات محتمل یا وضعیت های طبیعت هستند.
- افراد درصدد حداکثرسازی مطلوبیت و بنگاه ها به دنبال حداکثرسازی سود هستند.
- افراد بر اساس کلیه اطلاعات مربوط تصمیمات مستقل اتخاذ می کنند.

یکی از انتقادات در خصوص مدلهای سنتی در اقتصاد و مالی این است که آنها به گونه ای مدلسازی شده اند که گویی تصمیم گیرنده عادی شخصی است با ظرفیت ذهنی نامحدود که همه اطلاعات مرتبط را در نظر می گیرد و بهترین انتخاب را بر اساس شرایط در فرآیندی با عنوان بهینه سازی محدود اتخاذ می کند. این در حالی است که اشخاص عادی کامل نیستند و الزامات اطلاعاتی برای برخی مدل ها خیلی نامطلوب و دارای خطا هستند. (Ackert and Deaves, 2010)

در دهه‌های اخیر همزمان با افزایش نشانه‌های ناکارآمدی این دسته از نظریه‌ها (نظریه‌های نئوکلاسیک) در پاسخ‌گویی به پدیده‌های اقتصادی، دیدگاه‌های انتقادی شکل گرفته تا ضعف‌ها را پاسخ دهد. در حوزة شناخت رفتار انتقاد آن است که رویکرد اقتصاد متعارف خط مشی آرمانی برای انسان تعریف کرده است اما راهکارهای منبعث از این مشی، مبتنی بر رفتار واقعی انسان نیستند. رویکرد اقتصاد رفتاری در صدد چاره‌جویی عملی برای مسائل و مشکلات نظریه‌های نئوکلاسیک اقتصادی بوده و به این دلیل فروض بنیادی غیر واقعی نئوکلاسیم در مورد انسان را مورد بررسی و نقد قرار داده و آن‌ها را تعدیل نموده است. (سعیدی، ۱- ۲)

مالی رفتاری رشته نسبتاً جدید اما سریعاً در حال گسترشی است که به دنبال توضیح تصمیمات اقتصادی افراد با استفاده از ترکیب تئوری روانشناسی شناختی و رفتاری با مالی و اقتصاد متعارف است. عامل رشد تحقیقات مالی رفتاری، ناتوانی تئوری حداکثرسازی مطلوبیت مورد انتظار سنتی سرمایه گذاران منطقی در چارچوب بازارهای مالی کارا برای توضیح بسیاری از الگوهای تجربی است. مالی رفتاری در تلاش است تا این ناسازگاریها را از طریق توضیحات مبتنی بر رفتار انسانی در هر دو بعد فردی و گروهی حل نماید.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-29]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1395.16.33.5.2]

فرضیه زیربنایی مالی رفتاری این است که ساختار اطلاعات و ویژگی های مشارکت کنندگان بازار به صورت سیستماتیک بر تصمیمات سرمایه گذاری افراد و همینطور خروجی های بازار اثر می گذارد. فرآیند تفکر مانند یک کامپیوتر کار نمی کند. بر عکس، مغز انسان اغلب اطلاعات را با استفاده از میانبرها و فیلترهای احساسی پردازش می نماید. این فرآیندها تصمیم گیرندگان مالی را متأثر می سازد به گونه ای که افراد اغلب در یک حالت تاحدودی غیرمنطقی عمل می کنند، به طور معمول بر خلاف مفاهیم سنتی ریسک گریزانه رفتار می کنند و خطاهای قابل پیش بینی را در پیش بینی هایشان مرتکب می شوند. این مشکلات در تصمیمات سرمایه گذاران، بازارهای مالی و رفتاری مدیریتی شرکتها رایج می باشد. این تصمیمات مالی غیربهینه اثرات ناپیدایی را برای کارایی بازارهای مالی، رفاه فردی و عملکرد شرکت ها به دنبال دارد. (Baker and Nofsinger, 2010)

اقتصاد کلاسیک و مطالعه بازارهای مالی از دیدگاه هنجارگرایی بنیان هایی دارد که در عقلانیت نمایندگان اقتصادی نهفته است. هر تصمیم مالی که اتخاذ می شود بر این اساس است که سرمایه گذار مطلوبیت مورد انتظار معینی (رفاه) را حداکثر می سازد. علاوه بر این، بر اساس مطالعات نظری، سرمایه‌گذاران به گونه‌ای رفتار نمی‌کنند که گویی منطقی هستند، بلکه بر عکس، تورش‌های زیادی را به نمایش می‌گذارند که منجر به تصمیمات سرمایه‌گذاری ضعیفی در شرایط خاص می‌شود. (Toma, 2015)

روانشناسی شناختی به عنوان خاستگاه ورود روانشناسی به مباحث اقتصادی به این نتیجه رسیده است که کل فرآیند شناخت انسان از محیط و ادراکات وی می‌تواند دستخوش تورش (خطا) گردد. بر اساس یافته‌ها حتی اشتباهات، دیگر در سطح فرد منحصر نمی‌شود، بلکه در تصمیم‌گیری گروهی نیز ممکن است، رخ دهند. (سعیدی، ۱۳۹۰، ۷۲)

به طور کلی سه گروه از تورشها وجود دارد؛ اینرسی[1]، خودفریبی[2] و اثر[3]. اینرسی تأثیری است بر تصمیم‌گیری سرمایه‌گذار بر اساس کاهش سرعت بروزرسانی باورهای او (محافظه کاری[4])، انتخاب گزینه پیش فرض زمانی که مجموعه ای از انتخابها وجود دارد (تورش تداوم وضعیت کنونی[5]) و نمایش عدم تمایل به از دست دادن مالکیت خود (تورش مالکیت[6]).

1 . Inertia
2 . self-deception
3 . Affect
4 . conservatism
5 . status quo bias
6 . endowment effect

خودفریبی به این باز می گردد که چگونه افراد می توانند بر تصمیم گیری سرمایه گذار از طریق مرتبط ساختن موفقیت‌ها به انتخاب های خودشان و شکست‌ها به تأثیرات ناشی از دیگران اثر بگذارند (تورش خود اسنادی[1]) و چگونه بسیار مثبت اندیش بودن بر تصمیم‌گیری اثر می‌گذارد. همچنین اثر به تأثیرات احساسی انتخابی بر سرمایه گذاران باز می‌گردد، شامل تأثیر عواطف (علاقه یا عدم علاقه)، ادراک ریسک و بازده (اثر شهودی) و تأثیر پشیمانی‌گریزی بر تصمیم گیری. (Dowling and Lucey, 2010)

همانطور که در مباحث فوق بیان شده است، در نگاه اقتصادی و مالی متعارف هدف اصلی از معرفی تورش‌های رفتاری توجه دادن به آنها، جلوگیری از خطای انسان اقتصادی در فعالیت‌های مالی و اقتصادی به منظور پیش‌گیری از زیان مالی یا کاهش سود و بازده است. (سعیدی، ۳۴۸)

مهمترین علتی که علم اقتصاد و مالی رفتاری جایگزین اقتصاد نئوکلاسیک شده است، عدم قدرت پیش‌بینی اقتصاد نئوکلاسیک به منظور ارائهٔ اطلاعات جهت اتخاذ تصمیمات اقتصادی است. چرا که امروز ثابت شده است که بسیاری از رخدادها در عرصه‌های اقتصادی منشأ رفتاری و روانی دارد و با تحلیل‌های متداول نئوکلاسیکی نمی‌توان آنها را پیش‌بینی نمود. افراد در مالی استاندارد منطقی هستند ، در حالی که افراد در مالی رفتاری نرمال و طبیعی هستند. (Statman, 1995) از سوی دیگر در علم اقتصاد رفتاری بر اساس مطالب که اشاره شد، علت طرح مسألهٔ تورش‌ها و انحرافات شناختی و رفتاری این است که انسان اقتصادی برای اتخاذ تصمیمات صحیح که او را به سمت بازده و سود بیشتر رهنمون گردد و نیز از زیان و ضرر ایمن دارد، می‌بایست نسبت به این تورش‌ها آگاهی داشته باشد.

۴- مبنای طرح تورش‌های رفتاری در قرآن کریم

در این بخش برآنیم تا با استناد به آیات قرآن به مبنایی دست یابیم که بر اساس آن قرآن کریم تورش‌ها و خطاهای رفتاری را مورد توجه و انذار قرار می‌دهد. اساساً چرا قرآن کریم به این امر اشاره می نماید. در صورت رسیدن به این مبناست که می‌توان در پی یافتن تورش‌های رفتاری با نگاه اقتصادی از منظر قرآن کریم بود، چرا که تورش‌ها در هر بعدی و از جمله اقتصادی نسبت به یک مبنایی تورش معین خواهند شد, یعنی انسان را دچار انحراف می‌نمایند.

1 . self-attribution

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-29]
[DOR: 20.1001.1.17352770.1395.16.33.5.2]

در کلام خدا عبارت «فوز» و رستگاری ذکر شده است که در واقع عبارت است از مشمول رحمت خدا واقع شدن و خشنودی او را کسب کردن و رسیدن به مقام رضا[1] سبب تام برای حصول رحمت و وصول به فوز، تقوی و نگهداری نفس از بدیها و طریق جهنم است. (حاجی اسماعیلی، ۱۱۱)

در آیات دیگری از قرآن کریم عده‌ای را نجات‌یافتگان می‌خواند و ایشان را متقیان[2]، پیروان پیامبران[3] و نهی کنندگان از منکر[4] معرفی می‌کند. «سعد» واژة دیگری است که در بررسی مفهوم نجات و رستگاری در قرآن بدان اشاره شده است. سعد در لغت، مقابل واژة «شقی» است و از نظر معنایی دلالت بر خیر و سرور و خوش یمنی می‌کند. دوری از «شقاوت» منوط به پیروی از «هدایت» است که از سوی خدا آمده و آن همان تشریع دین است. (حاجی اسماعیلی، ۱۱۲ و ۱۱۵)

بنابراین می‌توان ادعا کرد که نیل به سعادت و رستگاری به معنای مورد نظر قرآن کریم، زیربنایی اساسی و بنیانی روشن در زندگی بشری است. بدیهی است که نسبت سعادت با آنچه بر اساس آیات قرآن به عنوان هدف خلقت و آفرینش بشر ذکر می‌شود یعنی طاعت و عبادت خداوند[5] و یا وصول به رحمت الهی[6] مشخص و قابل تبیین است.

سعادت به لذت پایداری گفته می‌شود که از جهت کمّی و کیفی دارای برتری و دوام نسبت به سایر لذت‌هاست. از دید آیه‌های قرآن، انسان موجودی است دو بعدی؛ انسان یک بعد مادی دارد که بدن اوست و یک بعد غیرمادی که روح اوست و حقیقت انسان به روح اوست:

«وَ إِذْ قالَ رَبُّکَ لِلْمَلائِکَةِ إِنِّی خالِقٌ بَشَراً مِنْ صَلْصالٍ مِنْ حَمَإٍ مَسْنُونٍ – فَإِذا سَوَّیْتُهُ وَ نَفَخْتُ فیهِ مِنْ رُوحی فَقَعُوا لَهُ ساجِدینَ» (الحجر، ۲۸ و ۲۹)، (معصومی‌نیا، ۱۳۲)

از نظر قرآن، سعادت انسان که موجودی مرکب از روح و بدن می‌باشد، عبارت است از رسیدن به خیرات جسمانی و روحانی و متنعم شدن به آن. (کبیری و معلمی، ۷۶)

۱ - المائده، ۱۱۹؛ الانعام، ۱۶؛ النساء، ۷۳؛ الجاثیه، ۳۰

۲ - مریم، ۷۱ و ۷۲

۳ - هود، ۵۸؛ البقره، ۴۹؛ یونس، ۱۰۳

۴ - الاعراف، ۱۶۵

۵ - الذاریات، ۵۶

۶ - هود، ۱۱۹

در دیدگاه سرمایه‌داری حداکثر کردن لذت‌های مادی و غرائز حیوانی غایت آمال انسان است. در حالی که از دیدگاه وحی ارضای تمایلات مادی امری ضروری است، اما لذت‌های بسیار برتری برای انسان مطرح شده که با لذت‌های مادی قابل قیاس نیست.

«فَلاَ تَعلَم نَفْس ما أُخْفی لَهم من قُرَّةٍ أَعینٍ جزَاء بِما کانُوا یعملُونَ» (السجده، ۱۷)، (معصومی‌نیا، ۱۳۲)

وقتی هدف به صورت کسب بیشترین تمتّع مادي تعریف شد، عقلانیت به معناي انتخاب بهترین وسیلة موجود براي دستیابي به هدف یاد شده منحصر خواهد شد. این در حالي است که از دید وحي، عقل در جایگاه خودش قرار مي‌گیرد. هدف این است که انسان به سعادت دنیا و آخرت دسترسي پیدا کند. از آنجا که خداوند متعال استفاده از نعمت ها و لذت هاي دنیوي را روا شمرده است، مسلمان عاقل از تمتّعات مادي نیز استفاده خواهد کرد. قرآن کریم یکي از عامل هاي گرفتار شدن دوزخیان به عذاب را عدم تعقّل برشمرده است. «وقَالُوا لَو کنَّا نَسمع أَو نَعقلُ ما کنَّا فی أَصحابِ السعیرِ» (الملک، ۱۰)، (معصومی‌نیا، ۱۳۳و۱۳٤)

در نگاه قرآن هدف سعادت دنیوی و اخروی بشر است، ضمناً قرآن به عنوان کلام خداوند به موارد و خطاها و لغزش‌هایی در انسان اشاره می‌کند و او را به سمت خوبی‌هایی رهنمون می‌دارد که با فطرت بشر و روح الهی او سازگاری دارد و برخی از آن‌ها نیز ناشی از غرایز حیوانی اوست.

بر اساس آنچه بیان شد، مبنای بیان تورش‌ها و انحرافات رفتاری و شناختی در انسان هم در منطق قرآن و هم در منطق اقتصاد متعارف هدایت انسان به سوی مطلوبیت بیشتر و پرهیز حداکثری از زیان و خسارت است. اما در منطق اقتصاد متعارف مطلوبیت بیشتر در کسب منفعت و سود بیشتر در دنیا یا به عبارت قرآنی صرفاً سعادت دنیوی است، در حالی که در منطق قرآن کریم مطلوبیت بیشتر هم در دنیا و هم در امور معنوی و اخروی می‌بایست دنبال شود یا به عبارت دیگر سعادت دنیوی و اخروی است و سعادت ابدی و اخروی بر دنیوی ترجیح دارد.

۵- دلالت‌های اقتصادی تورش‌های رفتاری در قرآن کریم

در قرآن کریم گزاره‌های رفتاری بی‌شماری در جهت نیل انسان به کمال و سعادت واقعی ذکر شده است. این گزاره‌ها در قالب توصیه‌های مستقیم و غیرمستقیم، انذارها و بیم دادن‌ها و همچنین در بیان عقوبت‌ها و پاداش‌ها بیان شده است. بسیاری از این گزاره‌های قرآن جنبة عمومی دارد و در

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-29]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1395.16.33.5.2]

تمام ابعاد زندگی انسان از جنبه‌های فردی و خانوادگی گرفته تا جنبه‌های اجتماعی و در ارتباط با سایر اقوام و ملل قابل تعمیم است.

در این بخش از مقاله تنها بخشی از گزاره‌های قرآن مورد بررسی قرار می‌گیرد. همانطور که پیش‌تر نیز اشاره شد مبنای قرآن از بیان گزاره‌های اخلاقی و رفتاری، هدایت انسان به سمت و سوی سعادت و کمال حقیقی است، نه صرفاً حداکثرسازی ثروت، مطلوبیت و مطامع دنیایی. نکتهٔ دیگری که در رابطه با برداشت‌های قرآنی بیان می‌شود این است که بسیاری از این دلالت‌ها و برداشت‌ها به صورت غیرمستقیم حاصل می‌شود. لذا در این بخش نیز تلاش می‌شود بخشی از گزاره‌های قرآنی که به نوعی با تصمیمات و مشی اقتصادی انسان رابطه دارد، بیان گردد.

۵-۱- رزق مقدّر

آیات زیادی از قرآن به رزاقیت خداوند و مقدر بودن رزق و روزی انسان اشاره دارد. به عنوان نمونه به چند آیه اشاره می‌شود.

الف- «**و ما من دابه فی الارض الا علی الله رزقها و یعلم مستقرها و مستودعها کل فی کتاب مبین**» (هود، ٦) «هیچ جنبده‌ای نیست مگر اینکه رزقش را خداوند تضمین کرده است.»

در برگزیدهٔ تفسیر نمونه در خصوص این آیه می‌خوانیم:

نخست می‌گوید: «هیچ جنبنده‌ای در روی زمین نیست مگر این که رزق و روزی آن بر خداست، و قرارگاه او را می‌داند، و از نقاطی که از قرارگاهش به آن منتقل می‌شود (نیز) باخبر است» و در هر جا باشد روزیش را به او می‌رساند «**وَ ما مِنْ دَابَّةٍ فِی الْأَرْضِ إِلَّا عَلَی اللَّهِ رِزْقُها وَ یَعْلَمُ مُسْتَقَرَّها وَ مُسْتَوْدَعَها**». «تمام این حقایق (با همه حدود و مرزهایش) در کتاب مبین و لوح محفوظ علم خداوند ثبت است» «**کُلٌّ فِی کِتابٍ مُبِینٍ**». (بابایی، ۲/ ۳۲۵)

همچنین در ادامه اشاره می‌کند که « نکته مهم این است که آیات و روایات مربوط به معین بودن روزی در واقع ترمزی است روی افکار مردم حریص و دنیاپرست که برای تأمین زندگی به هر در می‌زنند، و هر ظلم و جنایتی را مرتکب می‌شوند، به گمان این که اگر چنین نکنند زندگیشان تأمین نمی‌شود.

در تفاسیر دیگر نیز از جمله تفسیر تبیان اشاره شده است که «خداوند تعالی در این آیه خبر می‌دهد که هیچ جنبنده‌ای نیست مگر اینکه خداوند تعالی متکفل روزی دادن به او باشد.» (التبیان في تفسیر القرآن، ٥/ ٤٥٠)

آیات دیگری نیز در قرآن دلالت بر رزاقیت خداوند دارند که عبارتند از:

ب- «**له مقالید السماوات و الارض یبسط الرزق لمن یشاء و یقدر انه بکل شیء علیم**» (الشوری، ۱۲) «کلیدهای آسمان و زمین از آن خداوند است برای هر کس بخواهد گشایش در روزی پدید می‌آورد».

ج- «**ان اللّه هو الرَّزاقُ ذُو الْقُوه الْمتِین**» (الذاریات، ۵۸) «پس به سوی خدا بگریزید که من شما را از طرف او بیم دهنده‌ای آشکارم».

حقیقت مقدر بودن رزق مغایرتی با تحریض به تلاش و تدبیر برای جلب رزق ندارد، چرا که تلاش و تدبیر انسان خود یکی از عوامل مؤثر در تقدیر رزق از سوی خدای سبحان است. (حجتی و رضایی، ۷)

تلاش و تدبیر اختیاری انسان، به خواست حضرت حق در جریان روزی وی دخیل است، اما قطعاً عوامل بیشمار دیگری نیز در این مسیر دخیل‌اند که خارج از حیطهٔ اختیار انسان‌اند و خدای سبحان با حکمت بالغهٔ خود علاوه بر اختیار انسان و تلاش و تدبیر مختارانهٔ وی - که به اذن خود حضرت او انسان متمکن به آن می‌باشد- عوامل دخیل دیگر را چنان تقدیر و ترکیب می‌فرماید که متناسب با مصلحت حکیمانهٔ حضرتش باشد و همین می‌شود تقدیر معاش انسان. (همانجا، ۱۱)

در قرآن مبین بارها از کسب رزق با تعبیر «**ابتغاء فضل الله**»[1] و از خود رزق با نام «فضل الهی» یا «اعطای الهی»[2] یاد شده است که تأکیدی دیگر است بر این که رزق، محصول تقدیر و فضل و بخشش الهی است. (حجتی و رضایی، ۱۳)

یا از حدود ۶۷ موردی که مشتقات مادهٔ «کسب» در قرآن کریم استعمال شده است، تنها ۷ مورد به کسب روزی اشاره دارد و بقیه عمدتاً به کسب گناه و ثواب مربوط می‌شود. (همانجا، ۱۳)

۱ - الجمعه، ۱۰؛ المزمل، ۲۰؛ الاسراء، ۱۲؛ القصص، ۷۳ و غیره

۲ - آل عمران، ۱۸۰؛ النساء، ۳۷ و غیره

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-29]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1395.16.33.5.2]

خلاصه همین مقدار بر عهدة فرد است که به اجمال و اعتدال، طلب رزق نماید و باقی را به خدای سبحان بسپارد و مطمئن باشد که او آن مقدار از رزق را که نفع او در آن است برایش خواهد رساند و لذاست که اولاً مؤمن حقیقی به دارایی دیگران حسد نمی‌ورزد چون می‌داند حسدورزی در واقع نارضایتی از تقدیر الهی است. ثانیاً مؤمن برای مال دنیا حرص نمی‌ورزد چون می‌داند که پس از آن که به وظیفه‌اش در قبال تلاش معاش و اجمال در آن عمل نمود، باقی هر چه نصیبش شود، صلاحدید خدای سبحان است و جای حرص و ولع و افسوس و اندوهی نیست. (همانجا، ۱۸ و ۱۹)

بر این اساس یکی از تورش‌های رفتاری که ممکن است در امور اقتصادی برای انسان رخ دهد و او را از مسیر صلاح و سعادت منحرف کند، حرص و آز از یک سو و حسد و افسوس از سوی دیگر است که ناشی از عدم اعتماد به نقش رزاقیّت خداوند است. در قرآن به طور اختصاصی نیز در خصوص ویژگی حرص و طمع سخن به میان می‌آید.

یکی از تعالیمی که در دین بر آن تأکید شده است و ارتباط تنگاتنگی با رزق و روزی دارد مفهوم توکل است که در ادامه به آن اشاره می‌شود.

توصیه به توکل: «**وَ مَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بالِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْراً**» (الطلاق،۳)

«و هر کس بر خدا توکل کند، کفایت امرش را می‌کند، خداوند فرمان خود را به انجام می‌رساند، و خدا برای هرچیزی اندازه‌ای قرار داده است».

در تفسیر المیزان آمده است: «**وَ مَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ**» و کسی که بر خدا توکل کند، از نفس و هواهای آن، و فرمانهایی که می‌دهد، خود را کنار بکشد و اراده خدای سبحان را بر اراده خود مقدم بدارد، «**فَهُوَ حَسْبُهُ**» چنین کسی خدا کافی و کفیل او خواهد بود. (طباطبایی، ۱۹/ ۵۲۷)

همچنین در تفسیر منهج الصادقین می‌خوانیم: ذکر این کلام در این مقام از برای بیان وجوب توکل است بر او سبحانه و تفویض امور به او زیرا که هر که دانست که هر چیزی که هست از ارزاق و غیرها به تقدیر و توقیت او است البته به قدر تسلیم می‌شود و اعتماد به حسن تدبیر و تقدیر او کرده توکل را دثار و شعار خود می‌سازد و نیز از برای تقریر ما تقدم است. (کاشانی، ۳۱۷)

در حدیثی از پیامبر گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله آمده است که فرمود: از پیك وحی خدا، جبرئیل، پرسیدم: توکل چیست؟ گفت: حقیقت توکل این است که انسان بداند: مخلوق، نه زیان

می‌رساند، و نه نفع، و نه عطا می‌کند و نه منع، چشم امید از خلق برداشتن (و به خالق دوختن) هنگامی که چنین شود، انسان جز برای خدا کار نمی‌کند، به غیر او امید ندارد، از غیر او نمی‌ترسد، و دل به کسی جز او نمی‌بندد، این روح توکل است. (مکارم شیرازی، ۲۴/ ۲۳۹)

همانطور که در آیة شریفة فوق الذکر اشاره شد، انسان می‌بایست به جایگاه و نقش خداوند تعالی و سایر اسباب در تحقق اهداف و مقاصد واقف باشد. این امر موجب می‌شود که انسان پس از عزم و تصمیم بر ارادة حقیقی تکیه کند و امور خود را به او بسپارد. بنابر این انسان مطلوب از نگاه قرآن انسان متوکّل است و تورش رفتاری که ممکن است از انسان سربزند این است که انسان در زندگی تکیه خود را بر چیزی غیر از خدا قرار دهد. (هادوی‌نیا، ۱۰۴)

آنچه از گزاره های مورد اشاره در قرآن کریم در خصوص رزق مقدر و همچنین توکل و اتکال به خداوند متعال در عین تلاش و مجاهدت می توان برداشت نمود، این است که در امور زندگی و به ویژه امور اقتصادی، اساس و پایه می بایست اعتقاد به تقدیر الهی در امر رزق و روزی باشد. بر این اساس آنچه به عنوان وظیفه تلقی می شود، تلاش و جهد در عین توکل و استعانت از باری تعالی است. این امر موجب می شود بسیاری از صفات و رفتارهای نکوهیده در انسان ظهور پیدا نکند چرا که انسان نقش خویش را در کسب رزق در سایه تقدیر خداوندی و مصلحت ایزدی بیابد.

۵- ۲- انسان سخت شیفته مال و ثروت است

طبق آیه شریفه «**و انّه لحبّ الخیر لشدید**» (العادیات،۸) یعنی «و او علاقه شدید به مال دارد» و همین علاقه شدید و افراطی او به مال و ثروت سبب بخل و ناسپاسی و کفران او می‌شود.

اطلاق «خیر» بر «مال» به خاطر آن است که در حد ذات خود چیز خوبی است، و می‌تواند وسیله انواع خیرات گردد، ولی انسان ناسپاس و بخیل آن را از هدف اصلیش بازداشته و در مسیر خود خواهی و خود کامگی به کار می‌گیرد. (مکارم شیرازی، ۵/ ۵۶۴)

بر اساس تفسیر المیزان، بعضی از مفسرین گفته‌اند: لام در جمله «لحب الخیر» لام تعلیل است، و کلمه «خیر» در اینجا به معنای مال است، و معنای جمله این است که انسان برای دوستی مال، بسیار شدید یعنی بخیل و تنگ نظر است. و بعضی گفته‌اند مراد آیه این است که انسان نسبت به مال دنیا شدید الحب است، و این شدت حب وادارش می‌کند به اینکه از دادن حق خدا امتناع بورزد، و مال خود را در راه خدا انفاق نکند. این چنین آیه را تفسیر کرده‌اند. (طباطبایی، ۲۰/ ۵۹۱)

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-29]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1395.16.33.5.2]

و بعید نیست مراد از «خیر»، تنها مال نباشد، بلکه مطلق خیر باشد، و آیه شریفه بخواهد بفرماید: حب خیر فطری هر انسانی است، و به همین جهت وقتی زینت و مال دنیا را خیر خود می‌پندارد قهرا دلش مجذوب آن می‌شود، و این شیفتگی یاد خدا را از دلش می‌برد و در مقام شکرگزاری او بر نمی‌آید. (همانجا، ۲۰/ ۵۹۲)

بر اساس تفسیر مجمع البیان فی تفسیر القرآن، (وَ إِنَّهُ) و بیگمان انسانی (لِحُبِّ الْخَيْرِ لَشَدِيدٌ) حسن گوید یعنی بخاطر دوستی خیری که آن مال است شدید، یعنی برای خاطر آن مال بخیل و ممسك است و منع میکند از مالش حق خدای تعالی را. (طبرسی، ۲۷/ ۲۴۰)

در این آیه خداوند به ویژگی دیگری در انسان اشاره می‌کند. سیاق این آیه نیز همچون سایر آیات معطوف کردن توجه انسان به این واقعیت است که اگر بر اساس حب و علاقه‌ای که به مال دارد، صفت بخل و امساک را در خود کنترل نکند به ورطة ناسپاسی قدم خواهد گذاشت.

اساساً حب و شیفتگی مال و ثروت دنیا را می توان ریشه بسیاری از تورشهای رفتاری در امور انسانی و اقتصادی قلمداد کرد. بسیاری از تورشها و صفات ناپسندی که در ادامه ذکر می شوند ریشه ای جز حب و شیفتگی به دنیا ندارند. این امر با توجه به عدم باور برخی انسانها به رزاقیّت خداوند و لزوم توکل به او تشدید می شود.

۵- ۳- اشاره به ویژگی طمع

«وَ إِذا سَمِعُوا ما أُنْزِلَ إِلَى الرَّسُولِ تَرى أَعْيُنَهُمْ تَفِيضُ مِنَ الدَّمْعِ مِمَّا عَرَفُوا مِنَ الْحَقِ يَقُولُونَ رَبَّنا آمَنَّا فَاكْتُبْنا مَعَ الشَّاهِدِينَ» (المائده، ۸۴) «و براي ما چه [عذري] است كه به خدا و آنچه از حق ما رسيده است، ايمان نياوريم و حال، آنكه چشم داريم كه پروردگارمان ما را با گروه شايستگان [به بهشت] درآورد؟»

در تفسیر مجمع البیان آمده است: «طمع در لغت به مفهوم اشتياق از روي شهوت و خواهش نفس نسبت به شيء است (راغب اصفهاني مادة طمع) و در اصطلاح عالمان اخلاق، عبارت است از توقع و چشم داشت به اموال مردم».

از آيه به دست مي‌آيد كه طمع هم در امور مطلوب و هم در امور نامطلوب به كار مي‌رود. ولي آنچه در نظام اخلاقي اسلام مذمت شده، طمع در امور نامطلوب است. (طبرسی، ۷/ ۱۵۰)

بر اساس آنچه در این آیة شریفه آمده است، طمع یکی از خصیصه‌های موجود در انسان است که هم می‌تواند به عنوان محرکی برای حرکت پرشتاب به سوی کمال واقعی باشد و هم

می‌تواند انسان را غرق در دنیا و دنیاپرستی نماید. لذا اگر انسان خصلت طمع را در مسیر صحیح خود قرار ندهد می‌تواند به عنوان تورشی رفتاری شناخته شود. همانطور که پیش‌تر نیز اشاره شد طمع یا حرص در امور مادی و کسب مال و ثروت بیشتر سوای از تحذیراتی که در مورد آن وجود دارد، با توجه به مکانیسم رزق مقدّر، تنها به عنوان یکی از عوامل می‌تواند مؤثر باشد. این در حالی است که حتی با وجود توسعه رزق به واسطة طمع و حرص منجر به تلاش، لزوم سعادت حتی از نوع دنیوی آن محقق نمی‌شود.

۵- ٤- اشاره به ویژگی خست و خودخواهی

«قُلْ لَوْ أَنْتُمْ تَمْلِكُونَ خَزائِنَ رَحْمَةِ رَبِّي إِذاً لَأَمْسَكْتُمْ خَشْيَةَ الْإِنْفاقِ وَ كانَ الْإِنْسانُ قَتُوراً» (الاسراء، ۱۰۰) انسان پیوسته سود مادی خویش را بر منافع دیگران ترجیح می‌دهد.

صاحب البرهان از قول علی بن ابراهیم اشاره آورده است که در اینجا منظور از قتوراً همان بخیلاً است. یعنی انسان بخیل است. (بحرانی، ۳/ ۵۹۶)

در تفسیر التبیان از قول ابن عباس و حسن آمده است که قتور یعنی کسی که برای خرج و مخارج در مضیقه است و همچنین اشاره شده است که این عبارت بر عموم دلالت دارد و یکی از دو حالت زیر برای آن متصور است:

اول- اکثر انسان‌ها اهل جود و بخشش نیستند و صرفه‌جو و بخیل هستند و لذا جایز است این اکثریت را بر اقلیت غلبه داد.

دوم- هیچ کس نیست مگر اینکه منفعت را به سوی خودش جاری می‌سازد هر چند ضرری متوجه دیگران شود. در ضمن این بخل نسبت به جود الهی، بخل است. (طوسی، ٦/ ۵۲۵)

در مجمع البیان ذیل «وَ كانَ الْإِنْسانُ قَتُوراً» از قول ابن عباس و قتاده اشاره می‌شود یعنی انسان بخیل است. در ادامه نیز اشاره می‌کند که ظاهر این است که این جمله، عموم است. یعنی همه انسانها بخیلند، حال آنکه می‌بینیم برخی از انسانها بخیل نیستند. لکن از آنجا که اکثر انسانها بخیل هستند، جایز است که جانب اکثر را غلبه دهیم و بگوییم همه انسانها بخیلند.

علاوه بر آن، انسان هر اندازه هم بخشنده و سخی باشد، بخشش او در برابر بخشش خداوند ناچیز و سخاوت او بخل است، زیرا انسان، چیزی را می‌بخشد که مورد احتیاجش نباشد. اما آنچه

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-29]
[DOR: 20.1001.1.17352770.1395.16.33.5.2]

که مورد احتیاجش هست، برای خود نگه می‌دارد و از بخشش آن خودداری می‌کند. (طبرسی، ۱٤/ ۲۱۸)

تفاسیر دیگر همچون تفسیر الکاشف، تفسیر نور الثقلین و تفسیر الدر المنثور نیز ذیل «**وکان الانسان قتوراً**» اشاره به خصلت خست، اتلاف و بخل انسان دارند.

بر اساس آیة مورد اشاره و با توجه به سیاق آیه، قرآن انسان را نسبت به ویژگی که در وجود اوست تحذیر می‌کند و آن بخل و خست است. بخل و خست یکی از دام‌هایی است که می‌تواند موجب گرفتاری انسان و باز ماندن او از حرکت به سوی کمال گردد.

در مقابل این ویژگی، قرآن از خصیصة مطلوبی یاد می‌کند و آن ایثار است. «**و یؤثرون علی انفسهم و لو کان بهم خصاصه**» (الحشر،۹)

در تفسیر المیزان در خصوص معنای این آیه شریفه آمده است: «ایثار» به معنای اختیار و انتخاب چیزی بر غیر آن است و کلمه «خصاصه» به معنای فقر و حاجت است. راغب گفته کلمه «خصاص البیت» به معنای شکاف خانه است، و اگر فقر را «خصاصه» خوانده است، بدین جهت است که فقر نمی‌تواند شکاف حاجت را پر کند. معنای آیه این است که انصار، مهاجرین را بر خود مقدم می‌دارند، هر چند که خود مبتلا به فقر و حاجت باشند و این توصیف از توصیف سابق در مدح رساتر و گرانقدرتر از آن است. پس در حقیقت این آیه در معنای این است که بفرماید: «نه تنها چشم داشتی ندارند. بلکه مهاجرین را مقدم بر خود می‌دارند». (طباطبایی، ۱۹/ ۳۵۷)

تفسیر نمونه ضمن بیان شأن نزول آیة شریفه به مقدم داشتن انصار توسط مهاجرین اشاره می‌کند و سایر نظرات در خصوص شأن نزول را نیز بیان می‌کند. (مکارم شیرازی، ۲۳/ ۵۱۹)

شاید خصیصة رفتاری ایثار چندان در مناسبات اقتصادی جایی نداشته باشد، اما مکانیسم‌هایی که در جامعة اسلامی برای حل مسائل و مشکلات اقتصادی کل جامعه و کاهش فاصلة طبقاتی مطرح شده است مانند خمس، زکات، انفاق، قرض الحسنه، صدقه و غیره، جز در سایة ایثار و از خودگذشتگی قابل حصول نیست. بنابراین از منظر قرآن کریم یکی از ویژگی‌هایی که انسان را از تورش‌های اخلاقی و رفتاری حفظ می‌کند، مقدم داشتن دیگران بر خود و ایثار است.

۵- ۵- اشاره به ویژگی کوته‌بینی

نمی‌تواند یا نمی‌خواهد منافع واقعی و درازمدت خویش را در نظر گیرد. «**بل تحبون العاجله و تذرون الآخره**» (القیمه، ۲۰ و ۲۱)

دلیل اصلی انکار معاد شك در قدرت خداوند و جمع‌آوری «عظام رمیم» و خاکهای پراکنده نیست، بلکه علاقه شدید شما به دنیا و شهوات و هوسهای سرکش سبب می‌شود که هرگونه مانع و رادعی را از سر راه خود بردارید و از آنجا که پذیرش معاد و امر و نهی الهی، موانع و محدودیتهای فراوانی بر سر این راه ایجاد می‌کند، لذا به انکار اصل مطلب بر می‌خیزید، و آخرت را بکلی رها می‌سازید. (بابایی، ۵/ ۳٤٦)

تفسیر البرهان اشاره می‌کند چون دنیا را حاضر می‌بینند آن را دوست دارند و آخرت را ویران می‌کنند (بحرانی، ۵/ ۵۳۷)

طبق نظر تفسیر مجمع البیان «**بَلْ تُحِبُّونَ الْعاجِلَةَ وَ تَذَرُونَ الْآخِرَةَ**» یعنی دنیا را بر عقبی و آخرت اختیار کرده برای دنیا کار می‌کنند ولی از روی نادانی و بدی اختیارشان قدمی برای آخرت بر نمیدارند. (طبرسی، ۲٦/ ۱۱٤)

طبق تفسیر الکاشف این آیه در مورد کسانی است که دینشان را به دنیاشان می‌فروشند و به طور کلی کسانی که امور فانی را بر امور باقی ترجیح می‌دهند. (مغنیه، ۷/ ٤۷۲)

بر اساس تفاسیر این آیه یکی از خطاهایی که شاید بتوان آن را از نوع شناختی قلمداد کرد این است که انسان اهداف و مقاصد سریع الحصول را بر مقاصد اساسی و بلندمدت ترجیح می‌دهد. در بازارهای مالی به واقع سفته‌بازی بر اساس همین ویژگی و خصیصه رخ می‌دهد یعنی دستیابی به سود در کوتاه‌ترین زمان ممکن، که البته این امر سفته‌باز را با ریسک زیادی مواجه می‌نماید.

در مقابل این خصیصه در آیات دیگر اشاره به مؤمنانی دارد که ویژگی آینده‌نگری و عاقبت‌اندیشی را سرلوحة کار خود قرار می‌دهند.

مؤمنان آینده‌نگر و دارای بینش عمیق هستند: «انّ الذین یتلونکتاب الله و اقاموا الصلاة و انفقوا ممّا رزقناهم سرّاً و علانیةً یرجون تجاره لن تبور لیوفیّهم اجورهم و یزیدهم من فضله» (فاطر، ۲۹ و ۳۰)

در تفسیر نمونه اشاره می‌کند که با توجه به این آیه و آیه پیشین نتیجه می‌گیریم که علمای راستین دارای صفاتی هستند که یکی از آنان این است که از نظر هدف، افق فکرشان آن چنان بالا

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-29]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1395.16.33.5.2]

است که دل از دنیای مادی زودگذر بر کنده، تنها به تجارت پر سود الهی می‌نگرند که دست فنا به دامانش دراز نمی‌شود. (مکارم شیرازی، ۱۸/ ۲۵۱)

در تفسیر المیزان می‌خوانیم: «**يَرْجُونَ تِجارَةً لَنْ تَبُورَ**» یعنی تجارتی را امیدوارند که به هیچ وجه ضرر نمی‌آورد (طباطبایی، ۱۷/ ۶۰)

تفسیر مجمع البیان نیز تعبیر مشابهی دارد: «**يَرْجُونَ تِجارَةً لَنْ تَبُورَ**» یعنی امیدوارند به این انفاق در راه خدا تجارتی را که هرگز کساد و فاسد نشود و هیچگاه نابود نگردد. (طبرسی، ۲۰/ ۳۳۰)

آنچه از این آیه به دست می‌آید این است که انسان عالم و مطلوب از دیدگاه قرآن دارای تفکر بلندمدت است و پاداش ابدی و فناناپذیر الهی را با چند سکه بیشتر در این دنیا معاوضه نمی‌کند. از این رو دارایی خویش را سودایی مقدس، وسیله‌ای برای نیل به منافع درازمدت و سود و لذت پایدار قرار می‌دهد.

۵- ۶- انسان کم‌ظرفیت و کم طاقت است

از این رو در مواجهة با مشکلات اقتصادی بی‌تابی می‌کند و به هنگام گشایش و رفاه بخل می‌ورزد «**ان الانسان خلق هلوعاً اذا مسّه الشّر جزوعاً و اذا مسّه الخیر منوعاً**» (المعارج، ۱۹- ۲۱)

تفسیر التبیان از قول ابن عباس و عکرمه اشاره می‌کند که معنای این آیه اول این است که انسان در برابر بلا و مصیبت صبر ضعیفی دارد. همچنین در ادامه اشاره می‌کند که بر اساس معنای سوم زمانی که انسان به خیر و سعادت دنیوی نایل می‌شود، از دادن حق الله مثل زکات و غیره که خداوند بر او واجب نموده است، خودداری می‌نماید. (طوسی، ۱۰/ ۱۲۱)

در تفسیر المیزان می‌خوانیم: کلمه «هلوع» صفتی است که از مصدر «هلع» - به فتحه هاء و لام- که به معنای شدت حرص است، اشتقاق یافته. و نیز گفته‌اند که این کلمه را دو آیه بعد تفسیر کرده، پس هلوع کسی است که هنگام برخورد با ناملایمات بسیار جزع می‌کند، و چون به خیری می‌رسد از انفاق به دیگران خودداری می‌کند.

از نظر اعتبار عقلی هم هلوع چنین کسی است، چون آن حرصی که جبری انسان است حرص بر هر چیزی نیست، بلکه تنها حریص بر خیر و نافع است، آن هم نه هر خیر و نافعی، بلکه

خیر و نافعی که برای خودش و در رابطه با او خیر باشد، و لازمه این حرص این است که در هنگام برخورد با شر مضطرب و متزلزل گردد و نیز لازمه این حرص آن است که وقتی به خیری رسید خود را بر دیگران مقدم داشته، از دادن آن به دیگران امتناع بورزد، پس جزع در هنگام برخورد با شر و منع از خیر در هنگام رسیدن به آن از لوازم هلع و شدت حرص است.

و این هلع که انسان مجبور بر آن است -و خود از فروع حب ذات است- به خودی خود از رذائل اخلاقی نیست، و تنها وسیله‌ای است که انسان را دعوت می‌کند به اینکه خود را به سعادت و کمال وجودش برساند، پس حرص به خودی خود بد نیست، وقتی بد می‌شود که انسان آن را بد کند و درست تدبیر نکند، در هر جا که پیش آمد مصرف کند، چه سزاوار باشد و چه نباشد، چه حق باشد و چه غیر حق، و این انحراف در سایر صفات انسانی نیز هست، هر صفت نفسانی اگر در حد اعتدال نگاه داشته شود فضیلت است، و اگر به طرف افراط و یا تفریط منحرف گردد، رذیله و مذموم می‌شود. (طباطبایی، ۲۰/ ۱۸)

در تفاسیر دیگر نیز همچون تفسیر مجمع البیان آمده است: «**إِنَّ الْإِنْسانَ خُلِقَ هَلُوعاً**» البتّه انسان حریص خلق شد، یعنی بخیل ممسك که از شدّت و بسیاری حرص جزع مي‌كند. اهل بیان گفته‌اند: تفسیر این آیه در آیه بعد است. «**إِذا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعاً وَ إِذا مَسَّهُ الْخَيْرُ مَنُوعاً**» یعنی هر گاه نادار شود و تهیدست گردد خودداری و صبر نکند. و هر گاه ثروتمند و توانگر گردد از احسان به مردم خودداری کند. (طبرسی، ۲۵/ ۳۱۲ - ۳۱۳)

جمعی از مفسران و ارباب لغت "هلوع" را به معنی حریص و جمعی به معنی"کم طاقت" تفسیر کرده‌اند، بنا بر تفسیر اول در اینجا به سه نکته منفی اخلاقی در وجود اینگونه انسانها اشاره شده،"حرص" و "جزع" و"بخل" و بنابر تفسیر دوم به دو نکته "جزع" و"بخل" زیرا آیه دوم و سوم تفسیری است برای معنی (هلوع). این احتمال نیز وجود دارد که هر دو معنی در این واژه جمع باشد، چرا که این دو وصف لازم و ملزوم یکدیگرند، آدمهای حریص غالباً بخیلند، و در برابر حوادث سوء کم تحمل، و عکس آن نیز صادق است. (مکارم شیرازی، ۲۵/ ۲۷- ۲۸)

در خصوص علت مذمت این صفت در انسان، علامه طباطبایی اشاره می‌کند که «از آنچه گذشت روشن شد که اگر صفت حرص را در آیات مورد بحث (که از خلقت بشر سخن می‌گوید، و با در نظر گرفتن اینکه می‌خواهد حرص را مذمت کند)، به همه انسانها نسبت داده، با «احسن» بودن خلقت هر چیز که آیه «**الَّذِي أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلَقَهُ**» از آن خبر می‌دهد منافات ندارد، چون

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-29]
[DOR: 20.1001.1.17352770.1395.16.33.5.2]

حرصی که منسوب به خداست حرص بر خیر واقعی است، و حرصی که صرف جمع مال و غفلت از خدا می‌شود منسوب به خود انسانها است، این خود انسان است که حرص خدادادی را مثل سایر نعمت‌ها به سوء اختیار و کج سلیقه‌گی خود به نقمت مبدل می‌سازد. (همو، ۲۰/ ۲۰)

در مجموع در می‌یابیم که خداوند متعال برخی صفات انسان را همچون حرص و کم‌طاقتی و جزع و فزع در مشکلات و نیز فراموش کردن حق خدا و مردم در زمان توانگری را مذمت می‌کند. البته این صفات به خودی خود دلالت بر حب ذات در انسان دارد ولی زمانی که انسان آنها را در مسیری غیر از کمال واقعی به کار می‌گیرد، مذموم خواهند بود. در همین حال قرآن کریم در آیة دیگری انسان خویشتن‌دار و صبور را انسان مطلوب معرفی می‌کند.

«انسان متین و خویشتن‌دار است»: «وَ **الصَّابِرِينَ عَلى ما أَصابَهُمْ**» (الحج،۳۵)

در تفسیر تبیان آمده است که یعنی کسانی که بر آنچه خداوند آنها را مبتلا می‌کند از بلا در دنیا، انواع مصیبت‌ها، امراض و دردها صبر می‌کنند. (طوسی، ۷/ ۳۱۵) همچنین در تفسیر مجمع البیان آمده است: وَ الصَّابِرِينَ عَلى ما أَصابَهُمْ: و آنها که در برابر بلاها و مصیبتها و بر طاعت خدا صبر می‌کنند. (طبرسی، ۱۶/ ۲۱۳)

تفسیر نمونه در رابطه با این آیه می‌گوید: عظمت حادثه هر قدر زیاد و ناراحتی آن هر قدر سنگین باشد در برابر آن زانو نمی‌زنند، خونسردی خود را از دست نمی‌دهند، از میدان فرار نمی‌کنند، مایوس نمی‌شوند، لب به کفران نمی‌گشایند و خلاصه ایستادگی می‌کنند و پیش می‌روند و پیروز می‌شوند. (مکارم شیرازی، ۱۴/ ۱۰۳)

یکی از خصائلی که خداوند در قرآن به عنوان ویژگی انسان مطلوب یاد می‌کند، شکیبایی و صبر در برابر نابسامانیهای اقتصادی و مشکلات زندگی است. همانطور که در آیات دیگر نیز به آن اشاره شد، صبر در برابر ناملایمات انسان را از افتادن در دام ناسپاسی و کفران باز می‌دارد. در عرصه‌های اقتصادی نیز تعجیل و زود ناامید شدن موجب عدم تصمیم‌گیری صحیح در انسان می‌شود.

۵- ۷- انسان در صورت توانگری سرکشی می‌کند

یکی از تورش‌های رفتاری که انسان‌ها معمولاً گرفتار آن می‌شوند، فراموش کردن نعمات الهی و طغیان در زمانی است که توانگر و بی‌نیاز هستند. در تفسیر البرهان در اینباره می‌خوانیم:

«**كَلَّا إِنَّ الْإِنْسانَ لَيَطْغى أَنْ رَآهُ اسْتَغْنى**» (العلق، ۶ و ۷) یعنی انسان زمانی که توانمند و مستغنی می‌شود کفران نعمت می‌کند، دست به طغیان می‌زند و انکار می‌کند. (بحرانی، ۵/ ۶۹۷)

بر اساس تفسیر المیزان: این دو آیه ردع و رد رفتاری است که انسان در مقابل نعمت‌های الهی از خود نشان می‌دهد، رفتاری که از خلال آیات قبل استفاده می‌شود، چون از آیات بر می‌آید که خدای تعالی نعمت‌های بزرگی نظیر تعلیم به قلم و تعلیم از طریق وحی را به انسان داده، پس بر انسان واجب است شکر آن را بجای آورد، ولی او بجای شکر، کفران و طغیان می‌کند. «**إِنَّ الْإِنْسانَ لَيَطْغى**» یعنی انسان بجای شکر طغیان می‌کند، و این خبری است از آنچه در طبع بشر است. (طباطبایی، ۲۰/ ۵۵۰)

در تفسیر مجمع البیان نیز می‌خوانیم: (كَلَّا) یعنی حقّاً «**إِنَّ الْإِنْسانَ لَيَطْغى**» که آدمی هر آینه سرکش و طغیان می‌کند از مرز خود تجاوز نموده و بر پروردگارش تکبّر نموده و از حد خود می‌گذرد. «**أَنْ رَآهُ اسْتَغْنى**» یعنی هر آینه اگر دید خود را مستغنی و بی‌نیاز از پروردگارش بسبب فامیل و اموال و نیرویش مثل آنکه گفته است طغیان می‌کند و سرکشی می‌نماید کسی که خود را بی‌نیاز از خدا ببیند نه هر کس که توانگر باشد طاغی شود. (طبرسی، ۲۷/ ۱۸۳)

در سایر تفاسیر از جمله تفسیر منهج الصادقین نیز آمده است؛ كَلَّا بمعنی حقا است و مرتبط بما بعد یعنی حقا إِنَّ الْإِنْسانَ بدرستی که آدمی لَيَطْغى هر آینه از حد بیرون می‌رود و گردن کشی می‌کند بر خدا. أَنْ رَآهُ اسْتَغْنى بجهت آنکه دیده است خود را که بی‌نیاز شده است، یعنی توانگر گشته به کثرت عشیره و اموال و مزیت قوت، و بنا بر ردع کلام مستأنف است. از قتاده منقولست که معنی طغیان او اینست که چون مالش زیاد شود در جام‌های فاخر و طعامهای پاکیزه و اسبان نیکو می‌افزاید، (کاشانی، ۱۰/ ۲۹۷)

در تفسیر نمونه به نیاز دائمی انسان اشاره می‌کند. انسان و هیچ مخلوق دیگر هرگز بی نیاز و مستغنی نخواهد شد، بلکه موجودات ممکنه همیشه نیازمند به لطف و نعمتهای خدا هستند، و اگر لحظه‌ای فیض او قطع شود درست در همان لحظه همه نابود می‌گردند، منتها انسان گاهی به غلط خود را بی نیاز می‌پندارد، و تعبیر لطیف آیه نیز اشاره به همین معنی است که می‌گوید: «خود را بی نیاز می‌بیند» نمی‌گوید: «بی نیاز می‌شود». (مکارم شیرازی، ۲۷/ ۱۶۴)

همانطور که پیش‌تر نیز اشاره شد، حکمت بالغة الهی بر میزان رزق انسان تعلق می‌گیرد. یکی از فلسفه‌های حکمت الهی در رابطه با میزان رزق در همین مورد اخیر قابل مشاهده است و آن

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-29]
[DOR: 20.1001.1.17352770.1395.16.33.5.2]

ظرفیت وجودی انسان برای دریافت رزق موسع‌تر است (رزق می‌تواند در زمینهٔ علمی باشد و فقط مادیات منظور نظر نیست). طبق آیهٔ شریفهٔ مورد اشاره انسان با احساس استغناء در برابر خدای خویش سرکشی و طغیان می‌کند.

یکی از عوامل و مکانیسم‌هایی که می‌تواند ضمن کنترل طغیان‌گری انسان، اسباب توسعهٔ رزق او را فراهم کند شکر و سپاس از خداوند (شکر نعمات) است؛ «و **إِذْ تَأَذَّنَ ربكُم لَئِنْ شَكَرْتُم لَأَزيدنَّكُم و لَئِنْ كَفَرْتُم إِنَّ عذابی لَشَديد**» (ابراهیم،۷) در تفسیر البرهان با استناد به روایتی از امام صادق علیه‌السلام می‌گوید: ایشان فرمودند «کسی که شکر به جای آورد، داشته‌هایش فوزنی می‌یابد چرا خداوند متعال می‌فرماید: «**لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ**». (بحرانی، ۳/ ۲۸۸)

در تفسیر مجمع البیان آمده است: امام صادق (ع) فرمود: از این آیه برمی‌آید که هر بنده‌ای که به او نعمتی عطا شد و به قلب خود به آن نعمت اقرار و خداوند را بزبان خود، ستایش کرد، سخنش به پایان نمی‌رسد، جز اینکه خداوند فرمان دهد که بر نعمت او افزوده شود. (طبرسی، ۱۳/ ۱۰۲)

بر اساس گفتار تفسیر نمونه در رابطه با آیه شریفه «**وَ إِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكُمْ لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَ لَئِنْ كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذابِی لَشَدِيدٌ**» حقیقت شکر تنها تشکر زبانی یا گفتن «**الحمد للّه**» و مانند آن نیست، بلکه شکر دارای سه مرحله است نخستین مرحله آن است که به دقت بیندیشیم که بخشنده نعمت کیست؟ این توجه و ایمان و آگاهی پایه اول شکر است، و از آن که بگذریم مرحله زبان فرا می‌رسد، ولی از آن بالاتر مرحله عمل است، شکر عملی آن است که درست بیندیشیم که هر نعمتی برای چه هدفی به ما داده شده است آن را در مورد خودش صرف کنیم که اگر نکنیم کفران نعمت کرده‌ایم.

امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: «کمترین شکر این است که نعمت را از خدا بدانی، بی‌آنکه قلب تو مشغول به آن نعمت شود، و خدا را فراموش کنی، و همچنین راضی بودن به نعمت او و اینکه نعمت خدا را وسیله عصیان او قرار ندهی، و اوامر و نواهی او را با استفاده از نعمتهایش زیر پا نگذاری.»

حدیثی دیگری از امام صادق علیه‌السلام در تفسیر نور الثقلین نقل شده آنجا که می‌فرماید: «شکر نعمت آنست که از گناهان پرهیز شود.» (مکارم شیرازی، ۱۰/ ۲۷۵)

همچنین علی علیه‌السلام در یکی از کلمات حکمت آمیز خود در نهج البلاغه می‌فرماید: «هنگامی که مقدمات نعمتهای خداوند به شما میرسد سعی کنید با شکرگزاری، بقیه را به سوی خود جلب کنید، نه آنکه با کمی شکرگزاری آن را از خود برانید.» (مکارم شیرازی، ۱۰/ ۲۸۲)

قرآن کریم به کار بستن مبانی و اصول اخلاقي ایمان، تقوا، شکر و غیره را عامل افزایش برکات الهي و کفران نعمت، اسراف، طغیان و غیره را عامل از بین رفتن، نعمت ها و بلاها مي‌داند: «اگر اهل شهرها ایمان آورده و تقوا پیشه مي‌کردند، برکاتي از آسمان و زمین به رویشان مي‌گشودیم، ولي آنها تکذیب کردند. پس ما نیز ایشان را به سزاي آنچه مي‌کردند، گرفتار ساختیم» (الاعراف، ۹۶)

بر این اساس یکی از مهمترین اصول رفتاری از نگاه قرآن شکر نعمت است که حاصل آن فزونی نعمت و برکت است. لذا اگر انسان صرفاً منافع دنیوی را نیز در نظر بگیرد، باید بداند که شکر نعمت است که عامل افزایش و فزونی نعمت خواهد بود. این صفت و خصیصه علی‌رغم تورش سرکشی در زمان بی‌نیازی موجب رشد و تعالی انسان می‌گردد.

۵- ۸- انسان بر خود می‌بالد و بر دیگران فخر می‌فروشد

«**انّه لفرح فخور**» (هود، ۱۰) در خصوص این آیهٔ شریفه در تفسیر تبیان اشاره می‌شود که فرح همان انفتاح قلب و ضد غم است مانند سرور. همچنین اشاره می‌کند که فرح لذتی قلبی است که این لذت از لذات حسی عظیم‌تر است. سپس در خصوص فخور توضیح می‌دهد و اشاره می‌کند فخور یعنی کسی که زیاد فخر می‌فروشد و این صفتی مذموم است چرا که مطلق است و در آن تکبر نسبت به اموری که نباید وجود دارد. (طوسی، ۵/ ۴۵۴) در تفسیر مجمع البیان نیز تفسیر مشابهی از این آیه می‌شود. (طبرسی، ۵/ ۱۴۵)

علامه طباطبایی در تفسیر المیزان در رابطه با علل بروز این صفات در انسان می‌گوید: «و اینکه فرمود «**إِنَّهُ لَفَرِحٌ فَخُورٌ**» به منزله تعلیل برای جمله «**لَيَقُولَنَّ ذَهَبَ السَّيِّئَاتُ عَنِّی**» است که می‌فرماید؛ علت خاطر جمعیش این است که او آن چنان خوشحال می‌شود که خیال می‌کند همیشه در این حال باقی خواهد ماند چون که نعمت را بعد از بلاء چشیده است و اگر او فکر می‌کرد که آنچه از نعمت که در اختیار او است زوال پذیر است و نمی‌توان به بقاء و دوام آن اعتماد نمود، چون امر به دست او نیست، بلکه به دست غیر او است در این صورت دیگر خوشحال نمی‌شد، چون هیچ انسان عاقلی درباره امری مستعار و ناپایدار خوشحالی نمی‌کند.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-29]
[DOR: 20.1001.1.17352770.1395.16.33.5.2]

هم چنان که علت فخور بودنش همان سرور است، انسان وقتی به نعمتی می‌رسد بر دیگران فخرفروشی می‌کند، با اینکه فخر، مخصوص کرامت و فضیلتی است که خود انسان برای خود کسب کرده باشد، نه فضایلی (از قبیل زیبایی، خوش‌قامتی، سلامت، ثروت و هر نعمت دیگر) که به انسان داده شده است. پس، از فخرفروشی اینگونه انسانها فهمیده می‌شود که او نعمت را از خودش و اختیار آن را به دست خودش می‌داند نه به دست دیگری، و کسی را سراغ ندارد که نعمت را از او سلب کند، و یا گرفتاریهایی که داشته به او برگرداند، و به این جهت است که به دیگران فخر می‌فروشد». (طباطبایی، ۱۰/ ۲۳۴)

بر این اساس صفت رفتاری دیگری که منشأ شناختی دارد، همین سرور و فخر فروشی نسبت به امور و نعماتی است که زوال‌پذیر هستند. همانطور که در آیات دیگر نیز اشاره شد انسان نمی‌بایست در صورت دفع بلا و گرفتاری و یا رسیدن به نعمت و آسایش تکبر و فخرفروشی نماید.

۵- ۹- انذار نسبت به شایع کردن زشتیها (تشیع فاحشه)

«إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيا وَ الْآخِرَةِ» (النور،۱۹) کسانی که دوست دارند زشتیها در میان مردم با ایمان شیوع یابد، عذاب دردناکی برای آنان در دنیا و آخرت است.

در تفسیر التبیان اشاعة فحشا را افعال قبیح می‌داند و جزای آن را حد زدن در دنیا و عذاب آتش در آخرت معرفی می‌کند. (طوسی، ۷/ ۴۱۹)

در تفسیر المیزان می‌خوانیم: مقصود از «فاحشه» مطلق فحشاء است، چون زنا و قذف و امثال آن، و دوست داشتن اینکه فحشاء و قذف در میان مؤمنین شیوع پیدا کند، خود مستوجب عذاب الیم در دنیا و آخرت برای دوست دارنده است. (طباطبایی، ۱۵/ ۱۳۲)

در تفسیر نمونه در خصوص این آیة شریفه آمده است: «ضمناً باید توجه داشت که «اشاعه فحشاء» منحصر به این نیست که انسان تهمت و دروغ بی اساسی را در مورد زن و مرد با ایمانی نشر دهد، این تعبیر مفهوم وسیعی دارد که هر گونه نشر فساد و اشاعه زشتی‌ها و قبائح و کمک به توسعه آن را شامل می‌شود».

البته کلمه «فاحشه» یا «فحشاء» در قرآن مجید غالباً در موارد انحرافات جنسی و آلودگیهای ناموسی به کار رفته، ولی از نظر مفهوم لغوی چنان که «راغب» در «مفردات» گوید «فحش» و «فحشاء» و«فاحشه» به معنی هر گونه رفتار و گفتاری است که زشتی آن بزرگ باشد، و در قرآن

مجید نیز گاهی در همین معنی وسیع استعمال شده مانند «وَ الَّذِينَ يَجْتَنِبُونَ كَبائِرَ الْإِثْمِ وَ الْفَواحِشَ»: «کسانی که از گناهان بزرگ و از اعمال زشت و قبیح اجتناب می‌کنند ...» (الشوری،۳۷). و به این ترتیب وسعت مفهوم آیه کاملا روشن می‌شود. (مکارم شیرازی، ۱۴/ ۴۰۳ - ۴۰۴)

در تفسیر نورالثقلین روایتی را از اسحق بن عمار و او هم از امام صادق علیه‌السلام نقل می‌کند. ایشان می‌فرماید: رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود کسی که کار زشتی را نشر دهد همانند کسی است که آن را در آغاز انجام داده است. (عروسی حویزی، ۳/ ۵۸۳)

در تفسیر نمونه در خصوص اشاعة فحشا اشاره می‌کند؛ از آنجایی که انسان یك موجود اجتماعی است، جامعه بزرگی که در آن زندگی می‌کند از یك نظر همچون خانه او است، و حریم آن همچون حریم خانه او محسوب می‌شود. اگر می‌بینیم دستور عیب‌پوشی داده شده یك دلیلش همین است که گناه جنبه عمومی و همگانی پیدا نکند. (مکارم شیرازی، ۱۴/ ۴۰۵ - ۴۰۶)

در تفسیر نمونه مبحثی در خصوص شایعه‌سازی مطرح می‌شود. اگر چه مؤلف در این بیان در موضع توجه دادن نسبت به شایعه‌سازی دشمنان برآمده است، لکن با توجه به جایگاه شایعه‌سازی در بازارهای مالی که بر اساس اخبار بی‌اساس موجب سود عده‌ای و زیان دیگران می‌شوند، ارائه مطالب مورد اشاره در تفسیر نمونه خالی از لطف نیست.

این کافی نیست که ما بدانیم چه انگیزه‌ای سبب شایعه‌سازی است، مهم آن است که جامعه را از اینکه آلت دست شایعه‌سازان گردد و به نشر آن کمك کند و با دست خود وسیله نابودی خویش را فراهم سازد بر حذر داریم، و به مردم توجه دهیم که باید هر شایعه را همانجا که می‌شنویم دفن کنیم و گرنه دشمن را خوشحال و پیروز ساخته‌ایم، به علاوه مشمول عذاب الیم دنیا و آخرت که در آیات فوق به آن اشاره شده خواهیم بود. (مکارم شیرازی، ۱۴/ ۴۰۸)

بنابر این یکی از روش‌های غیر قابل قبول در تمام عرصه‌های زندگی انسانی و از جمله عرصة اقتصادی، اشاعة زشتی‌ها است که شایعه‌پراکنی و دروغ‌پردازی قولی و عملی می‌تواند از آن‌ها باشد. همانطور که می‌دانید شایعه‌پراکنی در امروزه در بازارهای مالی خود ابزاری برای کسب سود و هدایت سرمایه‌گذاران بی‌اطلاع به سمت و سوی مورد نظر است. این مسأله در بورس‌بازی نمود بیشتری پیدا می‌کند.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-29]
[DOR: 20.1001.1.17352770.1395.16.33.5.2]

در واقع بورس بازی فعالیتی اقتصادی است که به هدف دستیابی به سود از طریق پیش‌بینی تغییرات قیمت کالا، اوراق بهادار یا ارز انجام می‌شود. بی تردید در اسلام هر گونه فعالیتی که به تغییر مصنوعی قیمت کالا یا هر نوع دارایی بینجامد، ممنوع شده است. در شریعت اسلام، قوانینی وجود دارد که از انجام معاملات صوری، احتکار و ائتلاف و انتشار اخبار کذب و مانند آن جلوگیری می‌کند. (میرمغزی، ۵۱ و ۵۲)

۵- ۱۰- انذار نسبت به سوگندهای بیهوده

«لا يُؤاخِذُكُمُ اللَّهُ بِاللَّغْوِ فی أَيْمانِكُمْ وَ لكِنْ يُؤاخِذُكُمْ بِما عَقَّدْتُمُ الْأَيْمانَ ...» (المائده، ۸۹) خداوند شما را در مقابل آن سوگندهایتان که از روی اراده نیست، مؤاخذه نمی‌کند ولی شما را در مقابل آن سوگندهایی که محکم کرده‌اید مؤاخذه می‌کند ... .

در تفسیر نمونه آمده است: «منظور از سوگند لغو چنانکه مفسران و فقها گفته‌اند، سوگندهایی است که دارای هدف مشخص نیست و از روی اراده و تصمیم سرنمی‌زند. قسم دوم از سوگندها، سوگندهایی است که از روی اراده و تصمیم و بطور جدّی یاد می‌شود، درباره این نوع قسم ها، قرآن در ادامه آیه چنین می‌گوید: «خداوند شما را در برابر چنین سوگندهایی که گره آن را محکم کرده‌اید مؤاخذه می‌کند و شما را موظف به عمل کردن به آن می‌سازد» (بابایی، ۱/ ۵۵۲)

در تفسیر الکاشف اشاره می‌کند که منظور از «لا يُؤاخِذُكُمُ اللَّهُ بِاللَّغْوِ فِی أَيْمانِكُمْ»، قسم لغو است و آن قسمی است که بدون قصد از زبان انسان خارج می‌شود اما منظور از «وَ لكِنْ يُؤاخِذُكُمْ بِما عَقَّدْتُمُ الْأَيْمانَ»، قسم شرعی است که وفای به آن واجب است. (مغنیه، ۳/ ۱۱۹- ۱۲۰)

در تفسیر نورالثقلین با ذکر احادیثی از پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله و ائمة معصومین علیهم‌السلام اشاره می‌کند که منظور از قسم لغو، قسمی است که قسم شرعی نباشد و بدون قصد خاصی صادر شود. (عروسی حویزی، ۱/ ٦٦٥) در تفسیر الدرّ المنثور نیز احادیث مشابهی با همین مضامین در خصوص قسم لغو و قسم واقعی بیان شده است. (سیوطی، ۲/ ۳۱۲)

به طور کلی یکی از اموری که در جوامع برای اثبات حقانیت و صدق و راستی مورد استفاده قرار می‌گیرد، قسم و سوگند است. صرف نظر از قبح سوگند دروغ و آثار منفی آن، بر اساس آیة شریفة فوق، سوگند در جامعة اسلامی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و لذا سوگند دروغ به

شدت توسط حق تعالی مؤاخذه می‌شود و حتی عقوبت دنیوی نیز برای آن در نظر گرفته شده است. این امر نشان می‌دهد که یکی دیگر از تورش‌های رفتاری که انسان‌ها در عرصة اقتصادی ممکن است گرفتار آن شوند، سوگند دروغ است.

۵- ۱۱- لزوم رعایت اصل عدالت و نفی کم‌فروشی

«وَ أَوْفُوا الْكَيْلَ إِذا كِلْتُمْ وَ زِنُوا بِالْقِسْطاسِ الْمُسْتَقِيمِ ذلِكَ خَيْرٌ وَ أَحْسَنُ تَأْوِيلاً» (الاسراء،۳۵)

تفسیر المیزان اشاره می‌کند که این آیه امر به مراعات عدالت و وفا در کیل و وزن و بیان «خیر» و «أَحْسَنُ تَأْوِيلًا» بودن آن دارد. کلمه «قسطاس» (به کسر قاف و هم به ضم آن) به معنای «ترازو و میزان» است. کلمه «خیر» به معنای آن چیزی است که وقتی امر دایر شد بین آن و یک چیز دیگر آدمی باید آن را اختیار کند، و کلمه «تأویل» هر چیز به معنای حقیقتی است که امر آن چیز بدان منتهی گردد، و اینکه می‌فرماید: ایفاء کیل و وزن و دادن آن به قسطاس مستقیم بهتر است، برای این است که اولاً کم‌فروشی یك نوع دزدی ناجوانمردانه است و ثانیاً وثوق و اطمینان را بهتر جلب می‌کند. (طباطبایی، ۱۳/ ۱۲۵)

در تفسیر مجمع البیان می‌خوانیم: هرگاه برای مردم چیزی را پیمانه می‌کنید، حقوقشان را به طور کامل ادا کنید و چیزی از آن کم نکنید. زجاج گوید: قسطاس یعنی میزان، خواه کوچك باشد خواه بزرگ. حسن گوید: قپان است. مجاهد گوید: این کلمه، رومی و به معنای عدل است. یعنی به وسیله میزانی که در آن ضرر و زیانی نباشد، وزن کنید. ذلِكَ خَيْرٌ قتاده گوید: یعنی ثواب این کار، بیشتر است. عطاء گوید: یعنی به خدا نزدیك است. برخی گویند: مقصود این است که اگر در دنیا پیمانه و وزن را به دقت، انجام دهید، برای دنیای شما بهتر است. زیرا باعث خوش نامی شما می‌شود و مردم شما را امانتدار می‌شناسند. وَ أَحْسَنُ تَأْوِيلًا و همچنین سرانجام این کار، در عالم آخرت هم بهتر است. بدین ترتیب، خداوند متعال مردم را تشویق می‌کند که، مردم رعایت حقوق یکدیگر را بکنند و در داد و ستدها اجناس را به دقت بپیمایند یا وزن کنند. (طبرسی، ۱۴/ ۱۳۲)

در تفسیر الکاشف ضمن بیان اهمیت وزن و کیل و وجوب شرعی و عرفی آن اشاره می‌کند، راز این عمل این است که حیات اجتماعی جز با رعایت عدل نظم نمی‌یابد. (مغنیه، ۵/ ۴۳)

غیر از آیة ۳۵ سورة اسراء، آیات دیگری نیز در این باب وارد شده است. در تفسیر نمونه می‌خوانیم:

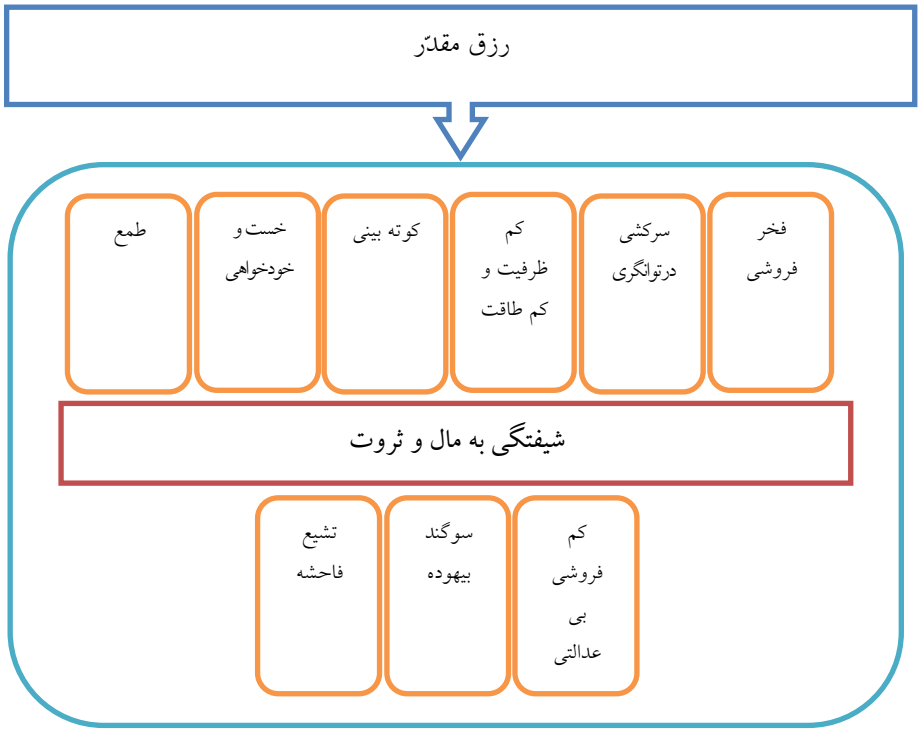
[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-29]
[DOR: 20.1001.1.17352770.1395.16.33.5.2]

در جایی دیگر با لحنی شدید و تهدید آمیز می‌گوید: «وَيْلٌ لِلْمُطَفِّفِينَ الَّذِينَ إِذَا اكْتالُوا عَلَى النَّاسِ يَسْتَوْفُونَ، وَ إِذا كالُوهُمْ أَوْ وَزَنُوهُمْ يُخْسِرُونَ، أَلا يَظُنُّ أُولئِكَ أَنَّهُمْ مَبْعُوثُونَ لِيَوْمٍ عَظِيمٍ»: وای بر کم‌فروشان! آنها که به هنگام خرید، حق خود را بطور کامل می‌گیرند، و به هنگام فروش از کیل و وزن کم می‌گذارند، آیا آنها گمان نمی‌کنند که در روز عظیمی برانگیخته خواهند شد، روز رستاخیز در دادگاه عدل خدا (المطففین، آیات ۱- ٤). (مکارم شیرازی، ۱۲/ ۱۱۲)

تفسیر نمونه در زمینهٔ کم‌فروشی ادامه می‌دهد؛ نکته دیگر اینکه گاهی مسألهٔ کم‌فروشی تعمیم داده می‌شود به گونه‌ای که هر نوع کم‌کاری و کوتاهی در انجام وظایف را شامل می‌شود. البته الفاظ آیاتی که در بالا گفته شد مستقیماً شامل این تعمیم نیست، بلکه یك توسعه عقلی است ولی تعبیری که در سوره" الرحمن" خواندیم: «وَ السَّماءَ رَفَعَها وَ وَضَعَ الْمِيزانَ أَلَّا تَطْغَوْا فِي الْمِيزانِ» اشاره‌ای به این تعمیم دارد. (مکارم شیرازی، ۱۲/ ۱۱۳)

اصل عدالت یکی از اصول ثابت اسلام است که در مواضع مختلفی نیز در قرآن به آن اشاره شده است. عدالت در عرصه‌های اقتصادی و مالی نیز جایگاه ویژه‌ای دارد و بی مبالاتی در رابطه با آن انسان را به ورطهٔ کم‌فروشی، تغلب و خدعه می‌کشاند. یکی از تورش‌های رفتاری در جوامع امروزی عدم توجه به مسألهٔ عدالت در مناسبات اقتصادی و مشخصاً کم‌فروشی در اشکال مختلف به منظور کسب سود و عایدی بیشتر است.

در پایان تورشهای رفتاری مورد اشاره بر اساس آیات شریفه قرآن کریم با توجه به ریشه عمدهٔ آنها یعنی حب و شیفتگی به مال و ثروت و همچنین با در نظر گرفتن حاکمیت مقدرات و تدبیر خداوندی در این خصوص در قالب شکل زیر بیان شده است:



۶- نتایج مقاله

همانطور که اشاره شد، مالی رفتاری رهیافت جدیدی در بازارهای مالی است تا مشکلات پارادایم سنتی و متعارف را بر اساس دستیافت‌های روانشناسی شناختی پاسخ دهد. یکی از مباحثی که در پارادایم مالی و اقتصاد رفتاری طرح می‌شود خطاهای انسان در اتخاذ تصمیمات اقتصادی است. روانشناسان شناختی ریشهٔ این انحرافات و تورش‌ها را شناخت انسان از محیط و پدیده‌ها معرفی می‌کنند و معتقدند این تورش‌های شناختی به خطاهای رفتاری منجر می‌شود. اما غایت و هدف طرح اینگونه مباحث و معرفی تورش‌های رفتاری، بر حذر داشتن انسان از افتادن در دام زیان و خسارت مادی است.

از سوی دیگر خداوند متعال در قرآن کریم نیز انسان را متوجه برخی ویژگی‌ها و خصایص خود می‌نماید و نسبت به برخی رفتارها و خطاها هشدار می‌دهد. اگرچه قرآن نیز درصدد هدایت انسان به سمت مطلوبیت بیشتر است لکن این مطلوبیت بیشتر در رسیدن به سعادت و کمال حقیقی و باقی تعریف می‌شود.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-29]
[DOR: 20.1001.1.17352770.1395.16.33.5.2]

در این تحقیق تلاش شد تا ضمن تبیین تفاوت مبنایی میان خاستگاه طرح تورش‌های رفتاری در اقتصاد متعارف و نگاه قرآن، برخی از تورش‌های رفتاری مورد اشارة قرآن را که در صورت بی‌توجهی می‌تواند انسان را به ورطة خسران و زیان بکشاند معرفی شود. برخی از این تورش‌ها که به ویژه در عرصه‌های اقتصادی نمود پیدا می‌کند عبارتند از حرص و طمع، کوته‌بینی، خست و خودخواهی، کم‌طاقتی و عدم صبر، کم فروشی و عدم رعایت عدالت که میتوان ریشه آنها را در حب و شیفتگی انسان به مال و ثروت دانست. از دیدگاهی وسیعتر بر اساس گزاره های قرآنی، مکانیسم رزق مقدر و رابطه آن با تلاش و توکل بر تمام مناسبات انسانی و به ویژه اقتصادی حاکم است و علت بسیاری از تورشها عدم باور به این موضوع می باشد.

در مجموع این تحقیق به این نتیجه می‌رسد که در حالی که اقتصاد متعارف در مسیر کشف نقایص و کاستی‌های نظریه‌های سنتی و اصلاح آنها با هدف کسب مطلوبیت بیشتر و حداکثرسازی ثروت به دانش مالی رفتاری رسیده است و در آن عرصه نسبت به اشتباهات و خطاها و دام‌های رفتاری و شناختی که ممکن است انسان اقتصادی را از مسیر مطلوب دور کند، قرآن کریم به عنوان منبع اصلی دین مبین اسلام نیز به گونه‌ای به دام‌ها و خطاهایی اشاره می‌کند که در عرصه‌های گوناگون و به ویژه اقتصادی می‌تواند دامن‌گیر انسان شود و او را از مسیر مطلوب دور کند البته مسیر مطلوب انسان تنها در این دنیا خلاصه نمی‌شود، بلکه بخش عمدة آن مختص به آخرت و دنیای باقی است.

کتابشناسی

۱- قرآن کریم

۲- ایروانی، جواد، اخلاق اقتصادی از دیدگاه قرآن و حدیث، مجلة تخصصی الهیات و حقوق، شمارة ۱۴، سال ۱۳۸۳ش.

۳- اسلامی بیدگلی، غلامرضا؛ کردلونی، حمید رضا، مالی رفتاری، مرحله ی گذر از مالی استانداراد تا نوروفاینانس، مجله مهندسی مالی و مدیریت اوراق بهادار، شماره ۱ ص ۱۹ - ۳۶ ، بهار ۱۳۸۹ش.

۴- بابایی، احمد علی، برگزیدة تفسیر نمونه، چاپ سیزدهم، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ، ۱۳۸۲ش.

۵- بحرانی، سید هاشم، البرهان فی تفسیر القرآن، چاپ اوّل، تهران: بنیاد بعثت، ۱۴۱۶م.

۶- بدری، احمد؛ گودرزی، ندا، مالی رفتاری، سوگیری نماگری و متغیرهای بینادی حسابداری: شواهدی از بورس اوراق بهادار تهران، مجله مطالعات تجربی حسابداری مالی، ، شماره ۴۳ ، ص ۵۷ - ۸۸ ، پاییز ۱۳۹۳ش.

۷- تلنگی، احمد، تقابل نظریه نوین مالی و مالی رفتاری، مجله تحقیقات مالی، شماره ۱۷، ص ۳ - ۲۶، بهار و تابستان ۱۳۸۳ش.

۸- حاجی اسماعیلی، محمد رضا، مفهوم‌شناسی رستگاری در قرآن کریم، مجلة صحیفة مبین، شمارة ٤١، زمستان ١٣٨٦ش.

۹- حجتی، سید محمدباقر؛ رضایی، علی، جمع میان مفهوم مقدر بودن رزق با تأثیر تلاش و تدبیر در جلب رزق، مجلة پژوهش‌نامة قرآن و حدیث، شماره سوم، زمستان ١٣٨٦ش.

۱۰- خواجوی، شکرالله؛ قاسمی، میثم، فرضیه ی بازار کارا و مالی رفتاری، مجله تحقیقات مالی، شماره ۲۰ ، ص ۴۹ - ۷۰ ، پاییز و زمستان ۱۳۸۴ش.

۱۱- رهنمای رودپشتی، فریدون؛ زندیه، وحید، مالی رفتاری و مالی عصبی (پارادایم نوین مالی) از تئوری تا عمل، چاپ اول، تهران: معاونت پژوهش و فناوری دانشگاه آزاد اسلامی دفتر گسترش تولید علم، ۱۳۹۰ش.

۱۲- سعیدی، علی؛ فراهانیان، محمدجواد، مبانی مالی و اقتصاد رفتاری، چاپ اول، تهران: شرکت اطلاع‌رسانی و خدمات بورس، ۱۳۹۰ش.

۱۳- سیوطی، جلال الدین، الدر المنثور فی تفسیر المأثور، قم: کتابخانة آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ش.

۱۴- شریفی، عنایت، اخلاق اقتصادی از منظر قرآن کریم، فصلنامة آفاق دین، سال ۱، شمارة ۴، بهار ۱۳۹۰ش.

۱۵- طباطبایی، سید محمد حسین، ترجمه تفسیر المیزان، به ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، چاپ پنجم، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۲ش.

۱۶- طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، به ترجمه گروه مترجمان، چاپ اول، تهران: انتشارات فراهانی، ۱۳۶۰ش.

۱۷- طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیرالقرآن، بی تا، بی جا.

۱۸- عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین»، چاپ چهارم، قم: انتشارات اسماعیلیان، ۱۴۱۵ق.

۱۹- کاشانی، ملا فتح الله، تفسیر منهج الصادقین فی الزام المخالفین، تهران: کتابفروشی محمد حسن علمی، ۱۳۳۶ش.

۲۰- کبیری، زینب؛ معلمی، حسن، مبانی و شیوه‌های تربیت اخلاقی در قرآن کریم از دیدگاه علامه طباطبایی، مجلة معرفت اخلاقی، سال اول، شمارة اول، زمستان ۱۳۸۸ش.

۲۱- لشکری، محمد؛ مرتاضی، هما، نظریه مالي رفتاري و تأثیر آن بر حجم سرمایه گذاري افراد در بورس اوراق بهادارتهران، مجله راهبرد، شماره ۲٦، تابستان ۱۳۹۰ش.

۲۲- معصومی‌نیا، غلامعلی، اخلاق اقتصادی؛ مبانی بینشی، آموزه‌ها و آثار، فصلنامة علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی، سال هفتم، شمارة ۲۶، تابستان ۱۳۸۶ش.

۲۳- مغنیه، محمد جواد، تفسیر الکاشف، چاپ اول، تهران: دار الکتب الإسلامیه، ۱۴۲۴ق.

۲۴- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه»، چاپ اول، تهران: دار الکتب الإسلامیه، ۱۳۷۴ش.

۲۵- میرمغزی، سید حسین، بورس‌بازی از دیدگاه فقه، فصلنامة تخصصی اقتصاد اسلامی، سال سوم، شمارة ۹، بهار ۱۳۸۲ش.

۲۶- هادوی‌نیا، علی اصغر، جایگاه اقتصادی سنت رزق، فصلنامة تخصصی اقتصاد اسلامی، سال هفتم، شمارة ۲۸، زمستان ۱۳۸۶ش.

27- Imran Tahir, Mark Brimble, (2011) "Islamic investment behaviour", International Journal of Islamic and Middle Eastern Finance and Management, Vol. 4 Iss: 2, pp.116 – 130

28- Pitluck, Aaron Z. (2008). "Moral Behavior in Stock Markets: Islamic Finance and Socially Responsible Investment" Economics and Morality: Anthropological Approaches, Society for Economic Anthropology (SEA) Monographs, edited by K. E. Browne and B. L. Milgram. Lanham: AltaMira Press, Rowman & Littlefield Publishers, Pp. 233-55

29- Tversky, Amos. (1995). "The Psychology of Decision Making", AIMR Conference Proceedings, Behavioral Finance and Decision Theory in Investment Management, December 1995, Issue 7, 7-13

30- Statman, Meir. (1995). "Behavioral Finance versus Standard Finance", AIMR Conference Proceedings, Behavioral Finance and Decision Theory in Investment Management, December 1995, Issue 7, 14-22

31- Baker, H. Kent. Nofsinger, John R. (2010). "Behavioral Finance: An Overview", Behavioral finance: investors, corporations, and markets Handbook, H. Kent Baker and John R. Nofsinger, editors. JohnWiley & Sons

32- Dowling, Michael. Lucey, Brian. (2010). "Other Behavioral Biases", Behavioral finance: investors, corporations, and markets Handbook, H. Kent Baker and John R. Nofsinger, editors. JohnWiley & Sons

33- Toma, Filip-Mihai. (2015). "Behavioral biases of the investment decisions of Romanian investors on the Bucharest Stock Exchange". Emerging Markets Queries in Finance and Business. Procedia Economics and Finance 32 (2015) 200 – 207

34-Ackert, Lucy F. Deaves, Richard. (2010). "BEHAVIORAL FINANCE, Psychology, Decision-Making, and Markets", South-Western, Cengage Learning

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-29]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1395.16.33.5.2]